

د کتر مصدق کودتار اساخته اجانب میداند

و موجد آن سید ضیاء را مسبب بد پخته های یست ساله ملت ایران میشناشد

مت. کامل نطق آنای دکتر مصدق در جلسه دیروز

من بیلت ایدار تعظم میکنم و صدیق میکنم که ملت صاحب رشد
سیاسی است و نظامات را و راهات خواهد کرد
تصمیم داشتم که مطالب را رسنسته بگویند و نطق کنی من مکه بد
می خواهم از این پرستش دعامت داشتم. تالن های سخنگه آتیم و ملاقانهایی که هر
کسی من خواست میکنم بنامند و میباشد و ارادت شکنی بوده هر چیزی
بیکنم من ۲۳ سال است با آغاز خالق انتشار دادمانه که با جرب تولد
شریک مساعی تبدیل ام ای ایان نایابند کان جرب تولد اگر مغافلت خود را
پس بگیرند من از محل خود بایین می ایم و دیگر نطق نیکم دفعه از
وطن و ایوب کفای است اگر یکی یا چند نفر از وطن دفاع نمود از
دیگران کنکن تکیف ساخته است من میل مکم که در ایران
شهدای ازادی مدنون شوم من میل دارم که از این اختصار عزم ششم
و زبانه رعد مهور فرمam شاه را دلیل برای مرتكب کودتا فرار
داده در سورتی که قرمان شاه ششم جوت صادر شد و کودتا سبب واقع
شد و اگر بواسطه اثر کودتا نبود مدیر روزنامه ویسی وزیر از نیسته و
هزین دستخطی که مدرک اثای سید ضباء الدین است با خبرنگار تامه برای اعتماد
و ظرفی ریاست و وزراء میدهد باو اختیار نداده بود که مردم را حبس کند
و نیک و بد را با هم بسوزانند ایا کی روز نامه بیرون بودند فرمانده کل
قوا بودند و معلوم نیست با چه وسیله قوقوی که تحقیق سر بریستی اسماس
انکلیسی بود تحت امر خود قرار داد اگر شکون تعت امر ایا بود بزرگاریں
انسان روزاول یا به مثل میانه اخراج اقا غراورد و اقا ملکی فرمودند تو قولی
که ملکی فرمودند تو قولی

نکیس گفت که شرکه مرد کسی چوب نمیزد
دراست و می‌تواند مسامورین اتکلیس مسابق این سر بریس کاکس که نظر استماری
نژاده والی شیراز دهد که رویی آتای بازار یوروپ یورونول اتکلیس گفت که
امر داده ام شورش چنوب پسندی از اشاره ترکستان را که موجب ناامنی راه
بیشترین تعبیه کنند بنده از این حرف بسیار مغلوب شدم و ایشان هلت ملات از این
خواسته و نظریات خود را بایران طریق یان نومود شما هبشه کلایت می
کنید که قلعه چنوب در سراسر مشغولیت ندارد اگر آن هارا اینجین مانوری می‌باشد
پارسیه ب پر نفوذیت آن ها افروده میشود میکن است که همچنان از اهالی
ترکستان موجب ناامنی شده باشند اگر کنم آنها را نیز کنم خواهند گفت که
حافظ امنیت و نظم بوطیه خود عمل نموده است ولی اگر شاهان گاورا بکنید
بیکوینه مقصود تسلیم بک عده وطن پرست است که بمعاهده بیان خود
طبعی کنید من خود را نایابه دولت مستقراران می دانم و ماضی نیز شوم
که شا در کار ای ایالت مداخله کنید بازور و بودجه نیز دست داد و کفه از
ضایع شا بسیار مستکر و تبیه ایشان طرفین تبیه بردم
ضایعات مالاچی ایشان طرفین تبیه بردم
آقای مؤید الشریه بیک از مالکین اراضی طومه شهر اطهار نموده که
قلعه چنوب برای اسب دوایی در مدریع من خیه و بارگاه زندگوزار است
من ازین میبدو بولمه بوله از داریم میز انتخاب ایشان را آنکه کلیل فریز
رسانده چنین خواب آورد که بعد از اسب دوایی تعمیم اهل خبره خارت
ایشان برداخته شد و
آنکه موید الشریه اطهار رضایت نمود تا اینکه هر آن روز کارتنی
از آنکه کلیل فریز رسید که مرد برای حضور در اسب دوایی دعوت نموده
بودند در کاخه بدن مارک و بطور خصوصی اینصورت نوشتم از حضور در محلی
که مالک آن راضی بست و شامم هیچ اجباری برای مطلب معموتیت ندارد و

مله‌ورم .
روز بعد آقای کشانی فریر یا من حومه میدزا محمد باقر خان دهقان
نژد من آمد و سلطان نمودند که اگر آقای دهقان نباشد فاقی اظهار کنند که
اس ب دوایی در سلطان آباد مملکت فاقی موجب خسارت مالک است بحاضر پرسکویه
بنده من ایشان تشکر نمودم .
و خیمه و بارگاه از طرف شهر سلطان آباد انتقال یافت و دعوهت مدحوبین
تجدید شد آقای سوریر لوران هرچه عرض کنم کم است ایشان یاک مرد
شرافتمند هستند که دفعه دیگری دیدار ایشان را آزادی نمایم .
چون این درجه که من از مامورین انگلیس تسبیح نمودم مسکن است
پسکویند که چند یعنی طرفی را از دست داده لازم است و نثار آقای رویشیت
نایانده اتحاد جماهیر شوروی را هم نسبت بخود عرض کنم در اوآخر سال
۱۳۰۰ که من وزیر مالیه شدم روز اول و رود بخدمت املاج نامه ای بنی
داده شدم که اینها ممکن و تفصیل این است که کایانی قوام اسطنه تصوری
نموده بود که با این استفاضت سایق که بر طبق مهد نامه بین اللئی ملکوتوں
ایران بود برای مدت طویلی بامی با صندوق تووان به تجارت خانه شوروی اجاره
داده شود که آنها را برای تجارت خانه ایار نایانده این جانب از امضای
اجاره نامه خودداری نموده و آقای رویشیت سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی
اظهار نمود که ضرر اضطهانی این اجاره نامه برای شایش از پرستی
که بدواتی ایران متوجه میکردند ضرر دولت ایران زاده است و بیله آنهم زیاد
بیست و قابل تجمل است ولی ضرر شای اخلاقی است و آن این است که ملت
ایران پنthen تصور میکنند که شای هرچه بدفعه ای اگر کشان
ایران بدهانه تبدیل به کدام دلیل عنوان نمیشند می‌شانند .

آنکه روشنین گفت ما ایران برای ایصال تجارت خود است و در پی این معرفه مذکوره در سایر کشورها نیز می‌باشد. طهران معلم که با اوضاع تجارتی ما تعطیق کند بود من تقاضا نمودم که دولت محلی بنانک را با اجازه دهد ولی بآینه شاکنیده توجه نداشتند و می‌بینم حق با شاست دل اتحاد جماهیر شوروی از اضایی همه نامه هر چهل اکثار ملت ایران مقصودی نداشتهند و مخصوصاً عوام را تایید کردند که طریقه مشی و فشار دول اتحاد جماهیر شوروی مطلقاً مغایر زندگانی سابق می‌باشد. بنابراین این از نظر ریاضی که اظهار شدوده تشکر می‌نمایم و خواهانم که تصریف نامه دولت را وکان مل مینکنم لیکن مخاطب شدن که کاملاً دیگران را بجزیره نبودند در صورت جامعه ملی که برای حسابت دول صیرخ تأسیس شده بود این قرار از اراده داشت فراز اداره اخراجودولت انگلستان مبلغ کرد و عملت هم این بود ملت ایران با آن مخالف بودند و مورد اعتراض دولت امریکا شد که من این ابلاغیه مختار امریکا را یکدنه در این مجلس خواندم و برای سپاسگزاری ملت ایران در موسم به قرات می‌باشم.

جلس دیروز
احساسات مرد منسبت بدکتر مصدق
و تنفر ملت منسبت بسید ضیاء

دراسته ملک

دیروز ناساعت ۹ صبح، همه زیادی از مخبرین جرائد و شفکران
و سایر کسانیکه جلس دیروز مجلس را مهم مشترکند، در صحن بهارستان
حاضر بودند. بعضی بوسیله و کلای آشنا کارت و ورودی بدست آورده و
برخی نز سرشار بی کلام ماند. نهمنه جزو دسته اختیار بود. در ساعت ۱۰
بعد هر کس پرسید و مخواست وارد صحن شود میگردند. اما مظفر فیروز
که آمد کمی مانع برودن او شد او از ترس، کلاه بوستی بس نداشت +
از طرف دیگر چون بست سال قحطی که بعد میان و کیل بودند و کلای چدید
راهم چون نیشانخانه باصرار و کامی بادعوا اجازه بروند میدادند +
از ساعت ۵۰ در ۱۰۰ متر از ایلک جلسه خصوصی، جلسه عمومی تشکیل
شد و هر یکان این جلسه را مخبر مخصوص میگردند که خودناظر بوده شرح اهداد
و نقضهای ایران شده شد و علی‌جهان از این طبق خواهند گفتند و اینها بعون
از جلسه و درخواست بهارستان همه کمی از طرق داران بسیه مواد همچوں تبلیغاتی
مالکین قرار گرفته و اغلب رنگ از صور شان برپا بود. از همان دقایق
ضمنی هم که نهاد معدن السلطنه در فضای مجلس طعن انداده است. تاهیکانی که
و کلای مجلس و نشانهایان برای او کف زدن و قطع صدای این کف زدن
در خارج شده، شد از جاز و تندر آزاد روحانیان همراهان بسیه کاملاً همراهی بود
و این ایاز نظر پنهانهایش تر شد زیرا استدیه باشند میباشد باشند شوخ ساخته
توهین کرده است.

دکتر مصدق حرف میزند : « این جلسه را همه بین خود تکرار
میگردند و گوش بگوش بمردمی که در خارج از بهارستان منتظر توجه
جلسه بودند میرسد. اینها را دیگر اجازه دخول نمیدادند .

لذا در میدان بهارستان و روی بالکن روز نامه مردم، دقیقه بدقتیه
برای یوه جمیعت افزوده میشند. این تهران دموکرات و تهران آزاد پرسوه
بود که منتظر انتشار نامه مقام بریل مشرحو طی بود و همچویی کشندت
که اوضاعی ای باش، این متنقین ملود را که برای ابراز احساسات نسبت
بی کلای آزاد روحانیه آمده بودند مخفی قرار داد .

خایه کسانیکه این نامه را داشته، نهاده است که برآ گئمه کردت مردم
بوسیله آن، هر گز آنست میگردند آنها را مطابقین بیلت خاموش نموده اند که
و اصل از روحانی بیکدیگر جدا نمیگردند شد .

از بالا اس اطلاع رسید که می‌نمودت میکند و گامی هم صدای کیکه به تجزیه خواهان شیه بود بگوش مررسید. شریع حرکات او و تغییر یافات سراسر ایاطبلی و توهین او، بارگفتگوی دیگر نیست. ولی شرح روحیه کسانی که در خارج منتظر خاتمه جلسه بودند بر همده من گذاشت شد.

مقدمی بردازد
بپیش از این مقدمه
دقت!
دیروز سید ضیا الدین باکمال و فاخت به آقای
دکتر مصدق توهین میکرد این خانن اگر فردا مصدر
کار خود با وقارتی پیش بعلیت و استقلال ماطممه
خواهد زد
نمایند گمانی که اعتبار نامه او را تصویب کنند شریک جرم
او هستند و از چیز اتفاق نمیگذرد

دقت!

دیروز سید ضیا الدین با کمال و قاحت به آقای

دکتر مصدق توہین میکردا این خانوں اگر فرد امداد کار شود با وفاحتی یعنی بعلت و استلال ما لطفه خواهد زد ۰ نایابند گانی که اعتبار نامه او را تصویب کنند شریک جرم او هستند و از چنگ اتفاق نمایند فرماز تو اند کرد ۰

پرای توجہ شهر بانی

۱۲۳۴

دیشب ساعت ۵:۰۰ بعدازظهر اتوبول شاره ۱۲۳۴ که دیروز سید در آن چلوس نموده بود در خیابان شاه آبداد در قوه خانه ای استاد و مکن از مردم درون سید پناه گیری شد و باصرت نام که معروف به چاقو کشی است صحت گرد که امروز در ازدراط اف مجلس با اسلحه حاضر باشد .

ملت په میکنند.
جله دیروز با اسالت گری به دکتر
معدن از توهین های سید شاه به رجال
تاریخی ایران و زلمه بادها و کف زدن
های شاگردان پیرهم خورده و یک روز
پیش از تولد شاهزاده میرزا حسن حکایت
برسر دستها بلند گردیده و تا ماسافتی
بردنده صدای مرد باد سید شاه ملت

ارگان ملزی حزب توده ایران

این روزنامه توسعه هیئت تحریریه آداره میشود

جلسہ دیر وز مجلس جنک میان مشروطیت و دیکٹاتوری

شوروی گذشتانی را که در بازه ایران
گردد و ملکایت پردازیون را از این گردد
در ترتیب حسن تدبیر شفاهی این دو است
دو سوئیک دنیا را که برای ارض فلسطین شوروی
که در آن موقع دودی کار آمده است
که سمه میتواند روی مید کند
و چند بزرگ آشاید و مسماه با خات
خواهی همراه این گذشتان را با
کیل ملتهای مسماهی آن دولت ایپاد میکرد
و شاید اگر جمال میری در قدر کامیوردن
در حسن روابط ما با آن دولت قدمی
قابل هماطفم می سخنم میسی

پندت میری سید خیابان هنگام کسی است
زیرا می سید خیابان هنگام کسی است
لایل رفت و داد دولت مساوی اینچه یعنی
مشتریک لفظار ملعمده ای برقرار کرد
که بصدق شماره زیر خودی دولت
مساوی اینچه یعنی تائید نلاجین و ام
التفاوت بود و همه برقرار داد او
در وزارت خارجه روبرو بوده است فرادر
داد سید خیابان هنگام ایراد
بوده که حق و نون الدلوه که در آن مرد
پیش از منظری و دلخواه سعکم
لایل سید خیابان دی پر خدمت حکومت ملی
مختاری دیگر معدن با آن اعلی
که بخوبی جایات دیگران تویر داده
دوباره استکوه و رجال سیاستی پا که امن
و سین برست شان میداده روی خان
فرکالیده هر منظر غریب و ملی میدیده
و از اسوی دیگر خطربریز که را برای
همه ملتان خود را که خود میگردید این مرد

مختصر ماهیم یاز بویشهه این سیده مردم
چلو گیری کند و حکومتی فلدری بر
یا سازد .
اما ملت ایران بوسیله ظاهرو اراده
خود و کتر مصدق ناید ظاهرو امان خود
را بگوش همه جهانیان سرمهان و بهبه
مل آزادی خواه طغایی میکند ما پس
از ۲۰ سال سکوت دیگناتوری درین
چند نفر از این مذکورهای مطبی دوده فلدری
و اینظر آورده آن شنده های این سیده مردم
نمایشیکه بیان آلاتیکه سر توشت
منها و بدست خودشان میباشد که در
انتقامات زی خوده آزاد باشند هر گز
زیر پار حکومت فلدری تغایر رفت
ماهیت اینم که این سید مخدوه های بنام
ازادی و بنام جمهوریت مانند موسویان
برای ایران یاک حکومت سیاسی ایجاد
کند ملت ایران با آزادی حقیقی سی -
خواهید یا مرک زاده گیری درین بار
درین مطلب شنیده :

